



پیش و پس از تئودور نلده: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام^۱

مرتضی کریمی نیا^۲
(صفحه: ۷ - ۴۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۹/۹

چکیده

این نوشتار پس از ارائه مقدمه‌ای در باب تاریخ نگاری قرآن کریم به بررسی دلایل امتناع صاحب‌نظران و نویسندگان مسلمان از نگارش کتابی با عنوان تاریخ قرآن کریم می‌پردازد. به نظر نگارنده تاریخ نگاری قرآن کریم در جهان اسلام تحت تأثیر تاریخ قرآن نوشته نلده است. در ادامه شرح کاملی از آثار ارزشمند منتشر شده توسط صاحب‌نظران مسلمان به ویژه در ایران و جهان عرب ارائه می‌شود. در بخش پایانی این مقاله به متونی اشاره دارد که به زبان‌های مختلف چون عربی، فارسی، ترکی، اردو، مالایی و اندونزیایی درباره تاریخ اسلام به زیور طبع آراسته شده است.

کلید واژه‌ها: تاریخ قرآن کریم، تئودور نلده، فریدریک شوالی، تاریخ نگاری قرآن کریم در جهان اسلام، ابو عبدالله زنجانی، محمود رامیار، عبدالصبور شاهین، محمد عبدالله دراز، سید ابوالقاسم خوبی، محمد هادی معرفت، مهدی بازرگان.

۱. نسخه‌ی انگلیسی کامل‌تری از این مقاله به مناسبت یکصد و پنجاهمین سال تألیف کتاب تاریخ قرآن نلده، در کنفرانس بین‌المللی "خاستگاه‌های قرآن" (*Les origines du Coran, le Coran des origines*)، آکادمی علوم فرانسه، پاریس، ۳-۴ مارس ۲۰۱۱ ارائه شده است. لازم می‌دانم از دوستانم سید علی آقایی، بهنام صادقی و سعید عدالت نژاد تشکر کنم که با مطالعه‌ی پیش‌نویس اثر، نکات سودمندی را به من یادآوری کردند.

۲. عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات

mkariminiya@yahoo.com

طرح مسأله

قریب هفتاد و پنج سال پس از زمانی که نخستین چاپ تاریخ قرآن نلدکه در ۱۸۶۰م انتشار یافت، دانشمندی ایرانی به نام ابو عبدالله زنجانی (۱۸۹۲-۱۹۴۱م) در بخش‌های پایانی کتابش به اثر بازنگری شده‌ی تاریخ قرآن به دست شوالی، برگشترسر و پرتسل اشاره کرد. زنجانی در کتاب خود (تاریخ القرآن، ۱۸۳-۱۸۶) تئودور نلدکه را دانشمندی بزرگ خوانده، تاریخ قرآن او را کتابی با ارزش دانسته و چکیده‌ای از مباحث وی در باب ترتیب نزول سور قرآن را در کتاب خود آورده است.^۱ این اثر را شاید بتوان نخستین کتاب مستقل با عنوان و موضوع تاریخ قرآن در میان مسلمانان دانست. اما چرا پیش از این، تاریخ قرآن در میان مسلمانان توجهی را جلب نکرده است. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد علاوه بر تبیین این امر، مرور کوتاهی داشته باشد بر نگارش تاریخ قرآن در میان مسلمانان پیش و پس از تئودور نلدکه.

یکم: پیش از نلدکه

تاریخ قرآن امروزه به مجموعه مطالبی اطلاق می‌شود که به مسائلی مانند نزول قرآن، تاریخ‌گذاری سوره‌ها، حفظ و نگارش، گردآوری و تدوین، مصاحف

۱. این اثر علاوه بر فارسی به دو زبان انگلیسی و آلمانی نیز ترجمه شده است. مشخصات ترجمه‌ها از این قرار است: ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ترجمه‌ی ابوالقاسم سحاب، تهران، کانون خدمات فرهنگی الست، ۱۳۴۱؛ نیز: تبریز، سروش، ۱۳۸۲. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ جامع قرآن کریم، ترجمه‌ی حسام فاطمی، تهران، افشار، بی‌تا.

German Translation: *Die Geschichte des Qur'āns*, Hamburg: Islamisches Zentrum Hamburg e.V., 1999; and the English one as "The history of the Qur'ān," in *Al-Tawhīd* 4iii (1987) pp. 21-45; 5i (1987) pp. 17-26; 5ii (1987-1988) pp. 13-28; 5iii (1988) pp. 5-18.

پیش و پس از تنویر نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۹

نخستین، اختلاف قرائات، تحول رسم الخط و علامت‌گذاری‌های گوناگون در مصحف و حتی ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف می‌پردازد. عالمان اسلامی تا پیش از قرن ۲۰ م به صورتی پراکنده به این مطالب می‌پرداختند. از همین رو، در قرون میانه، موضوع تاریخ قرآن هیچ‌گاه همانند مسائلی چون وجه اعجاز قرآن، قدم یا حدوث قرآن، زیادت یا کاستی و تحریف قرآن در میان دانشمندان اسلامی از جمله متکلمان، مفسران و ادیبان یا مورخان محل بحث و نزاع نبوده است. شاید گمان بریم کتاب‌های کهن اسلامی در باب علوم قرآن، اختلاف المصاحف، اختلاف قرائات و مانند آن خود نوعی تاریخ قرآن به معنای امروزی بوده‌اند. اما به گمان من این رأی صحیح نیست. مجموعه مطالبی که در آثار کهن اسلامی همچون کتاب‌های مصاحف گردآوری شده‌اند، تنها اطلاعات خام، یا اسناد و مدارکی به‌شمار می‌آیند که می‌توان آنها را پذیرفت یا مردود دانست. از این نظر، روایات جمع قرآن که در *الجامع بخاری*، *فضائل القرآن ابو عبید*، و *طبقات ابن سعد* و مانند آن آمده‌اند یا روایات ترتیب نزول که در *الإتقان سیوطی* و مانند آن یافت می‌شوند، امروزه خود به تنهایی تاریخ قرآن به معنای مصطلح شمرده نمی‌شوند، مگر آن که با پرسش‌ها، تحلیل‌ها و استنتاج‌های امروزی همراه شوند و صورت علم به خود بگیرند.

نخست باید این پرسش را مطرح کنیم که چرا تا قرن ۲۰ م، مسلمانان کتابی با عنوان «تاریخ قرآن» ننوشته‌اند. حتی اگر از عنوان خاص «تاریخ قرآن» هم صرف نظر کنیم، این پرسش همچنان جای دارد که چرا مسلمانان قرون میانه هیچ‌گاه در کتاب‌های خود به اندازه‌ی غربیان به موضوعاتی چون تاریخ‌گذاری قرآن، جمع و تدوین قرآن، تاریخ رسم‌الخط قرآن و مانند آن نپرداخته‌اند. در نگاه

من تمام پاسخ را باید این جا یافت که موضوع تاریخ قرآن به عنوان یک رشته‌ی مستقل از مطالعات قرآنی، امری غربی است. همچنان که در بالا آوردم، در آثار کلاسیک اسلامی، بخش‌ها یا گزارش‌هایی پراکنده می‌توان یافت که روایتی در باب ترتیب نزول سور را بیان می‌کند یا به نقل گزارشی در باب کیفیت جمع قرآن در عصر ابوبکر یا عثمان می‌پردازد؛ اما چنین آثاری را نمی‌توان با نوشته‌های مستقل کنونی از محمود رامیار، ابو عبدالله زنجانی، عبدالصبور شاهین و محمد مصطفی اعظمی یکی دانست. آثار اخیر کمابیش الگویی غربی دارند و با ژانر هیچ یک از آثار اسلامی دوران کلاسیک مشابه نیستند (قس: دیدگاه نسبتاً مشابه بهاء‌الدین خرمشاهی در مقاله‌ی «تاریخ قرآن»، ص ۴۰). یافتن کتاب یا رساله‌ی کوتاهی در باب موضوع تاریخ قرآن، جمع و تدوین، تاریخ قرائت یا رسم الخط قرآن از عالمان سده‌های میانه همچون طبری، زمخشری، رازی، حتی آلوسی بغدادی همان اندازه شگفت‌انگیز است.^۱

چرا باید تاریخ قرآن را — به صورتی که امروزه در دست ماست — دانشی غربی بدانیم؟ سه عامل مهم را می‌توان برشمرد: نخست آن که توجه به تاریخ علوم و سیر تحول اشیاء یا مفاهیم در میان غربیان بسیار بیشتر از مسلمانان و

۱. برخی منابع قدیم و جدید از کتاب *تاریخ القرآن* نوشته‌ی ابوالعباس جعفر بن احمد مروزی (د. ۲۷۴ ق) نام برده‌اند. از آن جا که پیشترها این ندیم (ص ۲۱۴) این کتاب را با عنوان *تاریخ القرآن لتأیید کتب السلطان* خوانده است. می‌توان حدس زد که این اثر «تاریخ قرآن» به معنای امروزی نباشد، چرا که فهرست آثار ابوالعباس جعفر بن احمد مروزی در *الفهرست* (همانجا) نشان از علاقه یا تخصص وی در امور قرآنی و تفسیری نمی‌دهد. این ندیم درباره‌ی وی می‌گوید: *المروزی و اسمه جعفر بن احمد المروزی و یکنی أبا العباس أحد المؤلفین للکتب فی سائر العلوم و کتبه عزیزة جداً و هو أول من ألف فی المسالک و الممالک کتاباً ولم یتمه و توفي بالأهواز و حملت کتبه الی بغداد و بیعت فی طارق الحیرانی سنة أربع و سبعین و ماتین فمن کتبه کتاب المسالک و الممالک، کتاب الآداب الکبیر، کتاب الآداب الصغیر، کتاب تاریخ القرآن لتأیید کتب السلطان، کتاب البلاغة و الخطابة، کتاب التاجم*.

ابن طاووس (ص ۶۰۵) نیز از کتابی با عنوان *تاریخ القرآن* نوشته‌ی ابوالحسن علی بن عیسی بن داوود جراح (د. ۳۳۴ ق) معروف به *رمانی* یاد می‌کند، اما مطالبی که از آن نقل می‌کند به روشنی نشان می‌دهد که محتوای این اثر کاملاً تفسیری است. فارس تیریزبان الحسون، *مصحح کتاب سعد السعود*، (ص ۵۲ و ۱۸۵) یادآوری می‌کند که نام کتاب احتمالاً تأریخ القرآن [بالجیم المنقطه من تحتها نقطة واحدة] است.

پیش و پس از تنودور نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۱۱

شرقیان است؛ از این روست که دانش‌های تاریخی چون تاریخ فقه، تاریخ حدیث، تاریخ صرف و نحو و مانند آن در میان مسلمانان قرون میانه پدید نیامده است. از سوی دیگر، دانش تاریخ در میان غربیان به ویژه پس از عصر روشنگری تحول و پیشرفت چشمگیری داشته است. نگاه تاریخی به ادیان و کتاب‌های دینی ادیان نیز عمری کمتر از چهار قرن دارد. بنابراین طبیعی است که نخستین نگاه‌های تاریخی به متن قرآنی در میان غربیان و از جانب کسانی شکل گرفته باشد که با دستاوردهای تاریخ‌پژوهی و تاریخ ادیان در غرب آشنایی اجمالی داشته‌اند.

دلیل دوم - که بیشتر با موضوع تاریخ‌گذاری آیات و سور همخوانی دارد - آن است که طی قرون متمادی، قرآن با همین ترتیب موجود در مصحف در ذهن و ضمیر مسلمانان جای گرفته و شناخته شده است؛ لذا مفسر یا عالم مسلمان چندان نیازی به تحقیق گسترده در باب تاریخ‌گذاری آیات و سور احساس نمی‌کرده است. به عکس، تمامی غربیانی که از قدیم‌ترین زمان‌ها در قرون وسطا تا اوایل قرن بیستم با قرآن روبرو شده و سعی در شناخت و فهم آن داشته‌اند بیشتر با الگوی عهدینی خو گرفته بوده‌اند که در آن تمامی اجزای کتاب از نظر تاریخی، به همان ترتیب فعلی در عهد قدیم و جدید پدید آمده‌اند. به علاوه، بیان حوادث و رخدادها در عهد قدیم و جدید نیز نسبتاً مرتب‌اند و همانند قرآن به هم ریخته و مکرر نمی‌نمایند. بر این اساس، توجه به تاریخ قرآن و تاریخ‌گذاری سوره‌ها برای محققان غربی اولویت و اهمیت بسیار بیشتری یافته است.

دلیل سوم به نگاه و انگیزه‌ی عالمان اسلامی بازمی‌گردد. دانشمند مسلمان چه می‌کند؟ دانشمندان مسلمان علی‌العموم طی قرن‌ها همت خود را بر استنباط احکام فقهی و فهم متن قرآن از جهات کلامی، فقهی و تفسیری و ادبی گذارده‌اند. از نگاه ایشان متن مقدس از آن جهت که مقدس است تاریخ بردار نیست؛ به‌ویژه آن که این متن در نگاه غالب اسلام سنتی اشاعره فرا زمان و فرا مکان (زمان شمول و مکان

شمول) شناخته می‌شود. می‌توان گفت اندیشه‌هایی مانند قدم قرآن در میان اهل سنت و نیز دیدگاه‌های صوفیانه‌ی غزالی در باب ماهیت قرآن، همواره سبب تقویت چنین نگاهی بوده است. در مقابل اما، برای نخستین‌بار غریبان که در قرون وسطا با قرآن آشنا می‌شدند، چنین چیزی ابدأ نمی‌توانست معنا داشته باشد. برای ایشان در درجه‌ی نخست، فهم دقیقی از تاریخ رویداد وقایع عصر پیامبر، شخصیت پیامبر (ص) - آن هم به قصد مواجهه‌ی جدلی و کلامی با اسلام - اهمیت داشته است.^۱ از همین رو، نخستین ترجمه‌های قرآنی در زبان‌های اروپایی همچون *مجموعه‌ی طلیطله* شکل گرفتند. بعدها نیز که تلاش‌های اسلام‌شناسان غربی سمت و سوی آکادمیک یافت. ایشان بیشتر به تاریخ تحول افکار و اندیشه‌ها علاقه مند بودند. برای ایشان قرآن همانند کودکی بود که روزگار جنینی را پشت سر گذاشته، نخستین دوره‌های نوزادی، کودکی، و نوجوانی را پشت سر گذاشته تا سرانجام به دوران کمال یا بلوغ خود رسیده است. قرآنی که امروز در اختیار ماست و در آن خطی کامل، همراه با نقطه، اعراب و حتی علائم وقف و ابتدا می‌یابیم، اثری است در دوران بلوغ و کمال. حتی رویداد ترجمه‌ی قرآن یا تذهیب و آراسته‌سازی قرآن، بخشی از سرگذشت و تاریخ تحول قرآن بوده است. طبیعی است که چنین اثری از نگاه محقق غربی واجد تاریخ و سرگذشت است و باز هم طبیعی است که بررسی تاریخ تحول و تطور این کتاب

۱. هارتموت بوبتسین در آثار متعددش تصویری دقیق و همراه با جزئیات از سیر قرآن پژوهی در غرب طی قرون وسطا و نخستین سده‌های عصر روشنگری به دست می‌دهد. آثار وی در این باب فراوان است. من در این جا تنها به سه مقاله و کتاب مهم وی اشاره می‌کنم:

Hartmut Bobzin, "A treasury of heresies": Christian polemics against the Koran," *The Qur'an as text*, edited by Stefan Wild, Leiden: Brill, 1996, pp. 157-175; "Pre-1800 preoccupations of Qur'anic studies," *Encyclopaedia of the Qur'an*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2004, vol. 4, pp. 235-253; "Latin translations of the Koran: a short overview," *Der Islam* 70ii (1993) pp. 193-206; also in: *The Koran: critical concepts in Islamic studies*, edited by Colin Turner, London & New York: Routledge Curzon, 2004, vol. 4, pp. 116-127; *Der Koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa*. Beirut: Deutsche Morgenländische Gesellschaft; Stuttgart: Steiner, 1995 (Beiruter Texte und Studien, 42). xiv+598pp.

پیش و پس از تنوُّدور نُلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۱۳

مقدس برای محققان غربی اولویت نخست باشد^۱.

نتیجه آن که همواره نیازهای جامعه و پرسش‌های عالمان سبب پیدایش رشته‌های مختلف علمی و تحولات بعدی آن شده است. تاریخ قرآن به عنوان یک رشته‌ی علمی در سده‌های نخست اسلامی امری مورد نیاز عالمان یا پرسش‌ج‌دی مطرح در جامعه نبوده است. عالمان اسلامی از همین رو، اطلاعات کلی و اندک خود در باب جوانب مختلف تاریخ قرآن را در مقدمه‌های تفاسیر خود یا در کتاب‌های عام با عنوان علوم القرآن گنجانیده‌اند (برای نمونه رک: مقدمه‌ی قرطبی بر الجامع لأحكام القرآن).

دوم: پس از نُلدکه

توجه به تاریخ قرآن و پژوهش در این باره نخستین بار در غرب انجام شد و با تاریخ قرآن نُلدکه- شوالی شکل نهایی به خود گرفت. پیش از نُلدکه در میان غربیان افرادی چون گوستاو وایل^۲ (۱۸۰۸-۱۸۸۹م)، میور^۳ (۱۸۱۹-۱۹۰۵م) و آلویز اشپرنگر^۴ (۱۸۱۳-۱۸۹۳م) به موضوع تاریخ قرآن، و تاریخ‌گذاری سوره‌ها پرداخته بودند؛ اما این نُلدکه بود که برای اولین بار نام کتابش را تاریخ قرآن نهاد. پس از وی، افراد زیادی در غرب به همین موضوع پرداخته‌اند، اما – تا آن جا که

۱. تحول نگاه‌های عالمان اسلامی در چند دهه‌ی اخیر را با توجه به شماری از کتاب‌های مسلمانان در باب تاریخت (historicity) متن قرآن می‌توان شناخت. نوشته‌های قرآنی محمد ارکون، نصر ابوزید، محمد عابد الجابری از این قبیل‌اند. برای برخی نمونه‌های مشابه در زبان ترکی نک: .

Omer Ozsoy, *Kur'an ve Tarihselcilik Yazıları* (Writings on the Qur'an and Historicity) Ankara: Kitabiyat, 2004; Mehmet Paçacı, "*Kur'an ve Tarihselcilik Tartışması*," *Kur'an'ı Anlama'da Tarihsellik Sempozyumu* (Symposium on the Role of Historicity in Understanding the Qur'an) (Bursa: Kurav-Bayrak, 2000); Şevket Kotan, *Kur'an ve Tarihselcilik* (The Qur'an and Historicism) (Istanbul: Beyan Yayınları, 2001); Karaman, Hayrettin, et al., eds. *Kur'an-ı Kerim, Tarihselcilik ve Hermenötik*, Istanbul: İşık Yayınları, 2003. 230pp.

2. Gustav Weil, *Historische-kritische Einleitung in den Koran*. Leipzig & Bielefeld: Velhagen und Klasing, 1844. xxi+121pp; second revised edition, 1878. viii+135pp.

3. Sir William Muir, *The life of Mahomet*. 4 vols. London, 1858-1861; 2ed ed., 1876; 3rd ed., 1894. Selected rev. edition in one volume, Edinburgh: John Grant, 1912, 1923.

4. Aloys Sprenger, *Das Leben und die Lehre des Mohammad: Nach bisher grösstentheils unbenutzen Quellen bearb.* Berlin: Nicolai'sche Verlagsbuchhandlung, 1861-1865. (vols 1-3.)

امروزه می‌دانیم - دیگر هیچ کس در غرب چنین نامی برای کتاب خود انتخاب نکرده است^۱، چنان که گویی این عنوان در ادبیات و مکتوبات غربی گم شده است. شاهی بر این امر آن است که در میان مدخل‌های *دائرة المعارف قرآن* (ویراسته‌ی ج. د. مک‌اولیف، لایدن، ۲۰۰۱ - ۲۰۰۶م)، مدخلی با عنوان تاریخ قرآن وجود ندارد؛ در عوض، این عنوان کلی در مدخل‌های کوچک‌تری چون جمع قرآن (۳۶۱-۳۵۱/۱)، تاریخ‌گذاری قرآن (۳۱۶-۳۳۵)، قرائات (۴/۳۵۳ - ۳۶۳)، ترجمه‌ی قرآن (۳۴۰/۵ - ۳۵۸)، رسم‌الخط (۳/۳۰۴ - ۳۰۸) و مانند آن ارائه شده است. به عکس غرب، در جهان اسلام (ترکیه، ایران، مالزی، شبه قاره و جهان عرب)، کتاب‌های بسیاری با عنوان تاریخ قرآن در دهه‌های گذشته نوشته شده و *دائرة المعارف‌های تخصصی* این عنوان را مدخل قرار داده‌اند. به عنوان نمونه در جلد هفتم *دائرة المعارف قرآن کریم* و جلد چهارم *دائرة المعارف تشیع* مدخل‌هایی با عنوان «تاریخ قرآن» آمده است. غریبان اما در این مدّت، موضوع تاریخ قرآن را پس از نل‌دکه در بخش‌های کوچک‌تر و جزئی‌تر دنبال کرده و کتاب‌های جزئی‌تر نوشته‌اند. عناوینی چون *موادی برای تاریخ قرآن* (آرتور جفری، ۱۹۳۷م)، *مقدمه بر قرآن* (ریچارد بل، ۱۹۵۳م)، و *مقدمه بر قرآن* (رژی بلاشر، ۱۹۷۷م)، *جمع قرآن* (جان برتن، ۱۹۷۹م)، *ساخت سوره‌های مکی قرآن* (آن‌گلیکا نیویورت، ۱۹۸۰م)، و *حتی قرآن در محیط تاریخی‌اش* (رینولد، ۲۰۰۷م)، از این قبیل‌اند. چنین می‌نماید که در یکی دو دهه‌ی اخیر، رواج فراوان پرسش‌های مربوط به خاستگاه‌های قرآن، زبان قرآن، محیط تکوین اسلام، مسأله‌ی منابع

۱. این در حالی است که مسلمانان کتاب‌ها و مقالات متعددی در زبان انگلیسی با عنوان «تاریخ قرآن» نگاشته‌اند. از همه مشهورتر باید به محمد مصطفی اعظمی اشاره کرد که کتابش از زبان انگلیسی به زبان‌های ترکی و اندونزیایی نیز ترجمه شده است:

Muhammad Mustafā al- A'zamī, *The history of the Qur'ānic text from revelation to compilation: a comparative study with the Old and New Testaments*. Leicester (UK) UK Islamic Academy, 2003.

پیش و پس از تنودور نلده: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۱۵

(the issue of the sources) و امثال آن‌ها پیوندی اکید با پرسش‌های قدیمی تاریخ قرآن داشته باشد. از این رو، می‌توان حتی کتاب‌های مطالعات قرآنی (جان ونزبرو، ۱۹۷۸م) هاجریسم (مایکل کوک و پاتریشیا کرونه، ۱۹۷۹م)، قرائت آرامی- سریانی قرآن (کریستف لوکسنبرگ، ۲۰۰۰ م) و جزآن را تلاش‌هایی در همین راستا به‌شمار آورد (برای تفصیل رک: کریمی‌نیا، «مسأله‌ی تأثیر زبان‌های آرامی و سریانی در زبان قرآن»، ۵۵ - ۵۶).

جهان اسلام قصه‌ای یکسره متفاوت داشته است. برخی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که با عنوان «تاریخ القرآن» در جهان اسلام نوشته شده‌اند، کمابیش تحت تأثیر نلده، بلاشر، بل و دیگر محققان غربی تألیف شده‌اند و در اغلب آن‌ها نگاه‌های انتقادی به دیدگاه‌های غربیان یافت می‌شود؛ اما این آثار در این نکته اشتراک دارند که همگی نسخه‌های اسلامی از تاریخ نگاری قرآن به‌شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، این آثار همگی برای مخاطبان مسلمان در کشورهای اسلامی نوشته شده‌اند؛ لذا طبیعی است پرسش‌ها، شواهد و استنتاجاتی که برای محقق غربی از اهمیت درجه نخست برخوردار است، در اغلب این آثار برجسته و مهم تلقی نشوند.

قدیم‌ترین کتاب اسلامی که در قرن اخیر با عنوان تاریخ قرآن می‌شناسیم، از آن موسی جارالله ترکستانی رستوفدونی (۱۸۷۸-۱۹۴۹م) با نام *تاریخ القرآن و المصاحف* است. این اثر کم‌حجم که وی آن را به زبان عربی در سن پترزبورگ (۱۳۱۳ ق / ۱۹۰۵م) منتشر کرد، بیشتر به قصد اصلاح وضع آموزش در مدارس دینی آن زمان در روسیه نوشته شده است و چندان با تاریخ قرآن به معنای امروزی پیوندی ندارد. در واقع همچنان که مؤلف در مقدمه‌ی خویش اشاره می‌کند، وی به شرح چند بیت از لامیه امام شاطبی و طیبیه ابن جزری در باب جمع قرآن و موضوع قرائت پرداخته تا طلاب علوم دینی را بیشتر از آن چه در آن زمان رایج بوده است با قرآن، تاریخ و علوم آن آشنا کند (ص ۷، ۱۱ و ۱۲). با

این همه، وی در این مقدمه، سخنی می‌آورد که نشان می‌دهد از تلاش‌های غیر مسلمانان در موضوع تاریخ قرآن و قرائات و مصاحف مطلع بوده است: «و کثیراً ما نری رجلاً من علماء الأجنب یهتمون و یعتنون بتاریخ المصاحف و القرآن أكثر من إعتناء علماء الإسلام به فی هذه القرون الاخیره» (ص ۱۲). به جز این، وی مقالاتی پراکنده در باب تاریخ قرآن از جمله در مجله‌ی المنار (با عنوان «تاریخ المصاحف»، مجله المنار، سال ۱۰، ش ۴، (ربیع الآخر ۱۳۲۵ ق/ یونیه ۱۹۰۷م)، ص ۲۶۰) نوشته است.

شاید بتوان قدیم‌ترین و مهم‌ترین اثر اسلامی در این موضوع را از آن ابو عبدالله زنجانی دانست. وی تاریخ القرآن خود را - که شهرتی در جهان عرب نیز یافت - نخستین بار در قاهره (لجنة التألیف و الترجمة بالقاهرة، ۱۹۳۵م) منتشر کرد. احمد امین (۱۸۷۸ - ۱۹۴۵م) در مقدمه‌ای که در همان چاپ نخست بر این کتاب نوشته، از زنجانی و کتابش به بزرگی یاد می‌کند (ص ز، ح، ط). کمیته‌ی عالی ترجمه‌ی دائرةالمعارف اسلام نیز مقاله‌ای به زبان انگلیسی در آغاز کتاب گنجانده و در آن به معرفی کتاب زنجانی و اهمیت آن به خوانندگان غربی پرداخته است (ص ه، و). کتاب زنجانی یک مقدمه و سه باب دارد که مؤلف در مقدمه به شرح مختصری از زندگانی پیامبر و اوضاع جهان عصر او پرداخته است. سپس در باب اول درباره‌ی این مسائل بحث کرده است: پیدایش خط در حجاز و انتشار آن و خطی که قرآن بدان نگاشته شد، آغاز نزول وحی، زمان نزول قرآن، قرائت قرآن توسط پیامبر بر اصحاب، کتابت قرآن در هنگام نزول به فرمان پیامبر و نویسندگان آن، آن چه قرآن را در زمان پیامبر بر روی آن می‌نوشتند، جمع‌آوری کنندگان قرآن در زمان پیامبر، تاریخ نزول سوره و ترتیب نزول قرآن در مکه و مدینه.

زنجانی در باب دوم، درباره‌ی جمع قرآن در زمان ابوبکر، عمر و عثمان، ترتیب سوره‌ها در مصحف علی (ع)، اُبی بن کعب، ابن مسعود، ابن عباس و مصحف امام

پیش و پس از تنودور نلده: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۱۷

صادق (ع)، ذکر نام قرآء و راویان مشهور آن ها، اعراب‌گذاری و اعجام (نقطه‌گذاری حروف) قرآن سخن می‌گوید. باب سوم کتاب نیز مشتمل بر مباحث ترجمه‌ی قرآن به زبان‌های غربی، تاریخ نزول سور قرآن از دیدگاه خاورشناسان و فواتح سور است. از آن جا که وی تنها در ایران، عراق، و مصر تحصیل کرده است، به درستی نمی‌دانیم او در فهم زبان‌های اروپایی تا چه اندازه توانا بوده است؛^۱ با این همه، کتاب وی به روشنی تأثیر پذیری اش از تاریخ قرآن نلده که در ساختار و محتوا را نشان می‌دهد. نوشته‌ی زنجانی در زمانی انتشار یافت که در جهان اسلام و عرب کتاب مستقلی در این موضوع تألیف نشده بود. از همین رو، این کتاب ساده و کم حجم تأثیر زیادی بر نوشته‌های بعدی گذارد. بسیاری از عالمان و مفسران شیعی کتاب زنجانی را با عنوان *تاریخ القرآن* می‌شناسند و از آن نقل قول می‌کنند (مثلاً رک: مکارم شیرازی ۲۴/۱۱، ۳/۱۶، ۳/۲۳، ۱۹۳/۲۴، ۱۸۱/۲۵، ۳/۲۵ و ۳۲۸؛ خمینی، ۲/۲۲۲، ۲۲۳، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۲؛ سبحانی، ۵/۲۵۹، ۷/۶۴؛ برای نمونه‌هایی از میان آثار اهل سنت، رک: زرقانی، ۲/۷۷؛ ایبیری، ۱/۳۴۰).

اگر با سیر تاریخی پیش برویم، اکنون نوبت محمد عبدالله دراز (۱۸۹۴-۱۹۵۸م) است تا در نوشته‌های قرآن پژوهانه‌ی خود به موضوع تاریخ قرآن بپردازد. وی که در ۱۹۱۶م از دانشگاه الأزهر فارغ التحصیل شده بود، در ۱۹۳۶م برای تکمیل تحصیلات خود به فرانسه رفت؛ شاگرد خاورشناسانی چون لویی ماسینیون بود و دو رساله‌ی دکتری به زبان فرانسه نوشت که اکنون هر دو به عربی و بسیاری از دیگر زبان‌های اسلامی ترجمه شده است. عنوان رساله‌ی دوم

۱. امین خولی (۱۸۹۵-۱۹۶۶م) در مقاله‌ی «تفسیر» (*دائرة المعارف الاسلامیة*، قاهره، ۵/۳۶۹) پس از تمجید فراوان از کتاب نلده و ضروری دانستن مباحث کتاب برای محققان مسلمان، می‌گوید: «یکی از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه قاهره، تاریخ قرآن نلده را به عربی ترجمه کرده، اما این اثر منتشر نشده است». به گمان من، محتمل است ابو عبدالله زنجانی که سالیانی را در قاهره به سر برده است، اطلاعات خود در باب تاریخ قرآن نلده را از این ترجمه‌ی منتشر نشده به دست آورده باشد.

وی در فرانسه

*Initiation au Qur'ān: exposé historique analytique et comparatif*¹

بود که بعدها در قاهره و پاریس انتشار یافت.^۲ وی عنوان فصل نخست این کتاب را «جمع نص القرآن» قرار می‌دهد و در آن، به چکیده‌ی تمامی مباحث مرتبط با موضوع اشاره می‌کند. علاوه بر مراجعه به دو کتاب موسی جارالله و ابوعبدالله زنجانی، کتاب وی حاوی اشارات فراوان به مهم‌ترین آثار غریبان از جمله نلدکه-شوالی، آرتر جفری و لامنس است. گاه حتی در تأیید سخن خود از نلدکه نقل قول می‌کند. فی المثل می‌نویسد: «یستحیل علینا ان نعلل قبول الکافة لمصحف عثمان دون منازعة او معارضة بأنه راجع الی انقیاد غیر متبصر من جانبهم. و لقد قرر نولدکه «ان ذلك يعد اقوی دلیل علی ان النص القرآنی علی أحسن صورة من الکمال و المطابقة» (نلدکه، تاریخ القرآن، متن آلمانی، II/93) (دراز، ۳۹). در جای دیگر (همو، ۴۶) نیز با تأیید گرفتن از شوالی می‌نویسد: «پژوهش‌های جدید مسیحی هم مؤید این امر است. مثلاً شوالی می‌گوید: بیشتر اثبات کردیم که دو نسخه‌ی زید با هم مطابق بوده‌اند و مصحف عثمان چیزی جز همان مصحف موجود نزد حفصه نبوده است».

صبحی صالح (۱۹۲۵-۱۹۸۶م) را نیز باید همانند دراز از نخستین پیشگامان توجه به موضوع تاریخ قرآن در جهان عرب به شمار آورد. وی که در دانشگاه‌های الأزهر، قاهره و سوربن درس خوانده بود،^۳ در دو دانشگاه دمشق و بیروت تدریس می‌کرد.

1. Cairo: Éditions al-Ma'aref, 1949. xi+169pp. Paris, 1951.

۲. از آنجا که متأسفانه به نسخه‌ی اصل فرانسوی دسترسی نداشتم، در نوشته‌ی حاضر از ترجمه‌ی عربی کتاب به قلم محمد عبدالعظیم علی استفاده کرده‌ام با مشخصات زیر: مدخل الی القرآن الکریم: عرض تاریخی و تحلیل مقارن، کویت: دارالقرآن و دارالقلم، ۱۹۷۱م. کتاب در سال‌های اخیر به قلم عائشة عبدالحلیم از فرانسوی به انگلیسی هم ترجمه شده است با این مشخصات:

Muhammad A. Drāz, *Introduction to the Qur'ān*, translated into English by Ayesha Abdel-Haleem, London: I.B. Tauris, 2000.

۳. رساله‌ی دکتری وی در سال ۱۹۷۱ با عنوان جهان آخرت از منظر قرآن به زبان فرانسوی در پاریس انتشار یافته است. نک. Soubhī el-Şāleḥ, *La vie future selon le Coran*, Paris: J. Vrin, 1971. 174pp.

پیش و پس از تنودور نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۱۹

در شمار آثار متعدد وی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی، کتاب وی با عنوان «مباحث فی علوم القرآن قرار دارد که وی فصل دوم آن را به «تاریخ القرآن» اختصاص می‌دهد (ص ۶۴-۱۱۶؛ برای بحث از تاریخ‌گذاری سور مکی و مدنی نیز رک: همو، ۱۶۴-۲۳۳). این کتاب همراه با دیگر کتاب وی در باب علوم حدیث، در برخی دانشگاه‌های ایران (و شاید در کشورهای عربی)، متن درسی بوده است. وی با آن که در سراسر کتابش از اغلب خاورشناسان مشهور نام می‌برد و آرای ایشان را ذکر می‌کند، اما بیشترین توجه را به رژی بلاشر دارد؛ چنان که گویی کتاب بلاشر را همه جا نزد خود باز نگاه می‌دارد و آرای مرتبط با بحث خود را از آن نقل می‌کند، گاه آرای وی را مردود می‌شمارد، گاه می‌پذیرد و گاه آنها را صرفاً برای تأیید دیدگاه اسلامی ذکر می‌کند. طبق جستجوی من صبحی صالح در این کتاب، بیش از ۴۰ بار به بلاشر و ۱۰ بار به آرای نلدکه اشاره کرده، اما مجموع موارد موافقت وی با بلاشر بسیار بیشتر از موافقت با نلدکه است. در یک مورد، وی حتی ترجمه‌ی بلاشر از قرآن به زبان فرانسوی را به سبب روح علمی موجود در آن، دقیق‌ترین ترجمه‌ی قرآن می‌خواند (صالح، مباحث...، ۱۷۷). در چند دهه‌ی اخیر توجه نویسندگان کتب علوم قرآنی به موضوع تاریخ قرآن بسیار نمایان تر شده است. به جز محمد عبدالله دراز و صبحی صالح، دو نمونه‌ی دیگر از آثار علوم قرآنی که به موضوع تاریخ قرآن به صورتی مستقل توجه کرده‌اند عبارتند از: محمد عبدالعظیم زرقانی در *مناهل العرفان فی علوم القرآن و محمد ابوزهره در المعجزة الکبری*.^۱

۱. یک نمونه‌ی اسلامی غربی هم کتاب احمد فن‌دفر است در زبان انگلیسی که اخیراً به آلمانی هم ترجمه شده است:

Ahmad von Denfer, *‘Ulūm al-Qur’ān: an introduction to the sciences of the Qur’ān*, Leicester: The Islamic Foundation, 1983, 1994. The Book has been rendered into German as: *Ulum al-Qur’an: Einführung in die Koranwissenschaften*, translated from English into German by Mohamed Abdallah Weth, Stuttgart: Deutscher Informationsdienst über Islam (Idid), 2005. 240pp.

و نمونه‌ای در زبان ترکی اثر زیر از عثمان کسکیوغلو است:

Keskioğlu, Osman. *Nüzulünden Günümüze Kur’an-ı Kerim Bilgileri*. Ankara: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, 1989, 1993. 336pp.

موضوع تاریخ قرآن در نیمه‌ی دوم قرن ۲۰ م توجه برخی مفسران معاصر را نیز به خود جلب کرده است. دو مفسر و فقیه نامدار شیعی یعنی سید محمد حسین طباطبایی (۱۸۹۲-۱۹۸۲م) و سید ابوالقاسم خویی (۱۸۹۹-۱۹۹۲م) در آثار تفسیری خود کمابیش به تفصیل به برخی مباحث تاریخ قرآن پرداخته‌اند. خویی که *البیان فی تفسیر القرآن* خود را نخستین بار در ۱۳۷۵ق/ ۱۹۵۵م در نجف منتشر کرده، در آغاز کار خود مدخل مفصلی به مباحث تاریخ قرآن از جمله جمع قرآن، حدیث احرف سبعة، موضوع تحریف قرآن، قراء و قرائات، و مسأله‌ی نسخ اختصاص داده است. وی که به جز تفسیر، شهرتی فراوان در زمینه‌ی فقه شیعه دارد، نخستین مفسر شیعی است که با صراحت روایات جمع قرآن در زمان ابوبکر را به دلیل تهافت و تعارض درونی و ادله‌ی تاریخی و گاه مذهبی دیگر جعلی دانسته، تمامی آنها را کنار گذاشته و جمع و تدوین قرآن را همانند جان برتن (*The Collection of the Qur'ān*, 239-240) به زمان پیامبر (ص) بازمی‌گرداند (خویی، ۲۴۰-۲۵۹). در بخش‌های دیگر، وی تواتر تاریخی قرائات سبعة را مورد تردید قرار می‌دهد و اعتبار حدیث احرف سبعة را هم از نظر محتوا و هم از حیث سند انکار می‌کند (قس: دیدگاه موافق سید محمد حسین طباطبایی راجع به روایات احرف سبعة در *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۳/ ۷۴-۷۵). کتاب خویی که هم به فارسی (به قلم محمد صادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی)^۱ و هم به انگلیسی (به قلم عبدالعزیز ساجدینا)^۲ ترجمه شده است، تأثیر زیادی بر فضای قرآن پژوهی ایران معاصر داشته و بسیاری از عالمان بعدی در ایران دیدگاه خویی در باب انکار جمع ابوبکر و انتساب تدوین

۱. سید ابوالقاسم خویی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه‌ی محمد صادق نجمی و هاشم هاشم‌زاده هریسی، تهران، سازمان چاپ انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲. ۷۲۸ص.

2. Sayyid 'Abul Qāsim al-Mūsawī al-Khū'ī, *Prolegomena to the Qur'ān*. Translated with an introduction by Abdulaziz A. Sachedina, New York: Oxford University Press, 1998. 280pp. Another English translation of two chapters of the book is also available: *The Collection and Preservation of Qur'ān: Two Important Chapters from Al-Bayān fi Tafṣīr al-Qur'ān*. Translated by Mulla Asgharāli M.M. Jaffer, Stanmore (UK): Madrasa as Syed el-Khui, 1987. 82pp.

پیش و پس از تنویر نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۲۱

قرآن به شخص پیامبر را پذیرفته‌اند. محمد عزة دروزه (۱۸۸۷-۱۹۸۴م) از عالمان سنی اهل سوریه نیز در مقدمه‌ی مفصل خویش بر *التفسیر الحدیث* (۱/ ۶۷-۱۴۰). کمابیش همین رأی خوبی اختیار کرده است. به جز دروزه، محمود ابوریه، از عالمان اهل سنت مصر نیز ضمن ارجاع خوانندگان کتابش به مطالعه‌ی مبحث جمع و تدوین قرآن در *البيان خویی*، این کتاب را بی‌نظیر و به‌تنهایی برای مطالعه در این موضوع کافی می‌داند. وی معتقد است خواندن این کتاب بر هر مسلمانی واجب است (رک: *أضواء على السنة المحمدية*، ۲۴۸-۲۴۹).

طباطبایی اما از سوی دیگر، در میانه‌ی تفسیر حجیم خود (۱۲/ ۱۰۴-۱۳۳) به مناسبت بحث از نفی تحریف، فصل بلندی راجع به بررسی روایات تاریخ و جمع قرآن می‌نگارد. اما در باب صحت روایات جمع قرآن در عهد ابوبکر دیدگاهی کاملاً متفاوت با رأی خوئی ارائه می‌دهد. بیفزاییم که وی اساساً در کتاب قرآن در اسلام (۱۱۳-۱۱۴) خود نیز که برای خوانندگان غیرتخصصی (عام) نوشته است. روایت جنگ یمامه و جمع ابوبکر را بی‌هیچ نقدی نقل و تصدیق می‌کند (برای برخی دیدگاه‌های غیرمنتقدانه در باب روایات جمع قرآن در میان مفسران جدید اهل سنت رک: مقدمه‌ی این تفاسیر: ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، ابراهیم الایباری، *الموسوعة القرآنية*؛ و ملاحویش آل‌غازی عبدالقادر، *بیان المعانی*). با این همه، وجه مشترک طباطبایی و خوئی و دروزه در این است که همانند اغلب مفسران معاصر همچنان از به‌کار بردن عنوان «تاریخ قرآن» پرهیز می‌کنند و عناوینی دیگر به‌کار می‌برند که در سنت کهن اسلامی شناخته شده باشد.

در قدم بعدی، عبدالصبور شاهین (۱۹۲۸-۲۰۱۰ م) را باید مؤلف مهم‌ترین و معروف‌ترین کتاب تاریخ قرآن در جهان عرب به‌ویژه در میان اهل سنت دانست. وی نیز فارغ‌التحصیل فرانسه و آشنا با تحقیقات غربیان در باب قرآن بود. کتاب وی با عنوان *تاریخ القرآن* که نخستین بار در ۱۹۶۶ م انتشار یافت، حاوی مهم‌ترین

مباحث رایج در باب تاریخ قرآن همراه با نقل قول‌های مکرری از نلدکه، شوالی، بلاشر است. اهمیت و تفاوت کتاب شاهین با دیگر تاریخ قرآن‌ها در تخصص وی راجع به رسم الخط و قرائات شاذ است که این بخش (۱۵۷-۲۴۱) از کتاب وی را بی‌بدیل کرده است. از میان نویسندگان مسلمان معاصر، وی در کتاب خود تنها از ابو عبدالله زنجانی و سید ابوالقاسم خوبی نام می‌برد و در مورد فرد اخیر گاه به انتقاد از آرای وی می‌پردازد (۵۴-۵۶). اثر شاهین به دو زبان فارسی (تاریخ قرآن، برگردان حامد بزدی ثانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲ ش) و اندونزیایی (به قلم احمد باچمید، جاکارتا، ۲۰۰۸ م) ترجمه شده است.^۱

محمود رامیار (۱۹۲۲-۱۹۸۴م) نخستین و مفصل‌ترین تاریخ قرآن را در زبان فارسی نوشته است. به سبب آشنایی عمیق وی با منابع و زبان‌های عربی، فارسی و برخی زبان‌های اروپایی چون انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی،^۲ کتاب وی - تا آن جا که می‌دانیم - جامع‌ترین اثر در میان آثار اسلامی است. کتاب وی تقریباً همزمان با تاریخ القرآن نوشته‌ی عبدالصبور شاهین (قاهره، ۱۹۶۶م) انتشار یافت. اما به عکس شاهین و زنجانی شهرتی در جهان عرب نیافت. تاریخ قرآن رامیار نخستین بار در سال ۱۳۴۶ ش / ۱۹۶۷ م انتشار یافت؛ اما بعدها در سال ۱۳۶۰ ش / ۱۹۸۱ م صورت نهایی و کامل‌تر آن چاپ شد. ترجمه‌ای ملخص از آن هم بعدها در زبان اردو به قلم سید انوار احمد بلگرامی منتشر شده است (تاریخ القرآن، لاهور: مصباح القرآن تراست، ۱۹۹۴).

رامیار که از دانشگاه تهران دکتری علوم سیاسی گرفته بود، پس از آشنایی با ویلیام منتگمری وات، به ادینبرو (اسکاتلند) رفت و در فاصله‌ی اکتبر ۱۹۷۴ م تا

1. Abdussabur Syahin, *Sejarah Al-Quran*, translated from Arabic into Indonesian by Ahmad Bachmid, Jakarta: Rehal Publika, 2008.

۲. کتاب‌شناسی پایانی کتاب وی (ص ۷۱۴-۷۳۰) نشان می‌دهد بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب از زبان‌های مختلف اسلامی و غربی مورد مراجعه‌ی وی بوده است.

پیش و پس از تئودور نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۲۳

جولای ۱۹۷۷م رساله‌ی دکتری خود زیر نظر وی گذراند. پیش از آن نیز مدتی کوتاه (سال ۱۳۴۴ش/۱۹۶۵م) را در فرانسه گذرانده بود و در همان سال‌ها تاریخ قرآن رژی بلاشر را به فارسی بازگرداند. مدتی کارمند اداره قوانین در مجلس شورای ملی بود، اما بیشتر سال‌های عمرش را به تدریس علوم اسلامی در دانشگاه فردوسی مشهد گذراند (برای شرح مفصلی از احوال و آثار وی رک: سید کاظم طباطبایی، ۱۳۳ - ۱۶۶).

این اثر را از جهات مختلف می‌توان مهم شمرد. اما آن چه اکنون مورد نظر است، غنای کتاب در مراجعه به آثار غربیان و توجه فراوان وی به تاریخ قرآن نلدکه - شوالی است. صد البته وی در جای جای کتابش از بسیاری از غربیان پیش و پس از نلدکه نام می‌برد و آرای ایشان را ارزیابی می‌کند. از جمله‌ی ایشان می‌توان نام برد از کسانی چون میکله آماری، تور آندرائه، هانس بوئر، ریچارد بل، برگستر، رژی بلاشر، فرانتس بوهل، جان برتن، لئونه کایتانی، پُل کازانوا، گوستاو فلوگل، همیلتن گیب، ایگناتس گلدتسیهر، آ گروهمان، ه. هیرشفلد، یوزف هوروویتس، ژول لابوم، هانری لامنس، دنیس ماسون، لویی ماسینیون، آلفونس مینگانا، سر ویلیام میور، رینولد نیکلسن، تئودور نلدکه، رودی پارت، د. ل. الیری، ادوارد سل، و تیسدال، چارلز توری، و. م. وات، گوستاو وایل، یولیوس ولهاوزن، آرنه ونسینک (رامیار، سراسر اثر).

رامیار به بررسی و نقد دیدگاه‌های ایشان می‌پردازد و گاه با ذکر اقوال و آرای ایشان بر اطلاع خواننده‌ی کتاب خود در محیط فارسی زبان ایران بسیار می‌افزاید (رک: ۱۸-۱۹ در باب دیدگاه‌های نلدکه و بلاشر، شوالی، ولهاوزن و جفری راجع به ریشه‌ی کلمه‌ی قرآن؛ ۲۹۱-۲۹۳ در باب اذعان و اعتراف ف. بوهل، ریچارد بل، چارلز توری، و بلاشر به وجود مجموعه‌هایی مکتوب از قرآن در زمان پیامبر(ص)؛ ۶۱۹ - ۶۲۴ در توصیف روش میور، اشپرنگر، وایل، گریمه و هیرشفلد

در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن). فی‌المثل شوالی در بازنگری خود در تاریخ قرآن نلدکه (متن آلمانی، II/20) این سخن کایتانی را در باب تعداد کشته شدگان نبرد یمامه نقل می‌کند که این افراد اغلب نومسلمانان بوده‌اند و در فهرست‌هایی چون *طبقات ابن سعد* تنها به نام دو تن برمی‌خوریم که قاری بود نشان مسلم است. رامیار در نقد این سخن، با مراجعه به فهرست‌های مختلف از جمله *أنساب الأشراف* ابن‌حزم، *فتوح البلدان* بلاذری و جز آن، می‌کوشد نشان دهد چنان‌چه همانند کایتانی و شوالی بخواهیم بر گزارش منابع اسلامی تکیه کنیم، فهرست شهدای جنگ یمامه حاوی تعداد بسیار بیشتری از قاریان و حتی کاتبان وحی خواهد بود (رامیار، ۳۰۱ - ۳۰۳). نمونه‌های فراوان دیگری در سنجش دیدگاه‌های غیر مسلمانان در جای‌جای کتاب می‌توان یافت؛ از جمله در باب معلمان ادعایی پیامبر (ص) و قصه‌ی بحیراء (همو، ۱۲۰ - ۱۳۱)، دیدگاه بوهل در باب حروف مقطعه (همو، ۲۹۲)، ادعای گارسن دوتاسی و میرزا کاظم‌بک در کشف سوره‌های ادعایی جدید برای قرآن (همو، ۳۷۸ - ۳۸۰) و انتقادات شوالی بر داستان جمع قرآن در زمان ابوبکر (همو، ۳۹۳ - ۴۰۰). با این‌همه، رامیار در مجموع قضاوت مثبتی درباره‌ی تلاش علمی خاورشناسان در باب تاریخ قرآن دارد. وی در اواخر کتاب (۶۵۷ - ۶۵۸)، پس از مرور آثار متعدد نلدکه، شوالی، گریمه، وایل، و فلوگل آثار ایشان را بسیار ارزشمند می‌خواند، به تفصیل از تلاش علمی رژی بلاشر یاد می‌کند و همانند صبحی صالح ترجمه‌ی فرانسوی وی از قرآن را بهترین ترجمه می‌داند.

نوشته‌های فارسی دیگری از سید ابوالفضل میرمحمدی، سید محمد باقر حجتی، سید محمد رضا جلالی نائینی، علی حجتی کرمانی و محمد هادی معرفت در زبان فارسی انتشار یافته که کمابیش دیدگاه‌های مشابهی در باب حوزه‌های مختلف تاریخ قرآن مطرح می‌کنند؛ در این میان اما نگاهی متفاوت به تاریخ قرآن را باید در نوشته‌ی محمد هادی معرفت (۱۹۳۰ - ۲۰۰۸م) جست. وی از شاگردان سید

پیش و پس از تنودور نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۲۵

ابوالقاسم خوبی در عراق بود که برخلاف دیگر طلاب حوزه‌های شیعی از جوانی نه به دائره‌ی فقه و اصول، بلکه به مطالعات قرآنی و تفسیری توجه و علاقه‌ی بیشتری پیدا کرده بود. معرفت نخستین و مهم‌ترین کتاب خویش را با عنوان *التمهید فی علوم القرآن* در چند جلد در عراق و ایران منتشر کرد که دو جلد آن به موضوع تاریخ قرآن، جمع و تدوین، قرائات و رسم الخط اختصاص دارد. کتاب *تاریخ قرآن* وی به فارسی تلخیصی از آرای وی در *التمهید* است که برای دانشجویان دانشگاه‌های ایران تدوین یافته است. شگفت‌ترین دیدگاه وی (دست کم برای عالمان اهل سنت و حتی محققان غربی) نگاه انتقادی وی به رسم الخط عثمانی و موجود در قرآن است. به اعتقاد وی، هنگام نگارش قرآن‌های نخستین، به دلایل متعدد از جمله ناقص و ابتدایی بودن خط، نقص در مهارت، حافظه‌ی کاتبان و جز آن، بسیاری از کلمات به اشتباه نوشته شده‌اند و از زمانی به بعد، اشتباهات این کلمات چونان وحی مقدس دانسته شده و لذا تصحیح نشده است. وی با فهرست کردن جدولی مفصل از اغلاط املایی قرآن، معتقد است امروزه با دانش کنونی ما از خط و زبان عربی لازم است این کلمات به شکل یک نواخت و صحیح مطابق با اصول رسم الخط شناخته شده و معاصر عربی نوشته شوند (معرفت، *تاریخ قرآن*، ۱۲۲ - ۱۳۶؛ نیز همو، *التمهید فی علوم القرآن*، ۲ / ۳۶۵ - ۴۰۲).

اوج تأثیرپذیری از الگوی غربیان در تاریخ‌گذاری قرآن را در نوشته‌ی مهدی بازرگان (۱۹۰۷ - ۱۹۹۵ م) می‌بینیم. مهم‌ترین کتاب قرآنی وی در این باره سیر تحول قرآن^۱ (تهران، ۱۳۵۵ ش) نام دارد که همین نام به خوبی از میزان تحول در

۱. این کتاب تنها به زبان ترکی استانبولی (به قلم یاسین دمیرکیان و ملامحمد فیض‌الله، آنکارا، انتشارات فجر، ۱۹۹۸) ترجمه شده است. مشروح‌ترین مقاله در بررسی دیدگاه‌های بازرگان و مقایسه‌ی آن با سایر دیدگاه‌های غربی در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن را بهنام صادقی در زبان انگلیسی نوشته است با مشخصات زیر:

Behnam Sadeghi, "The Chronology of the Qur'ān: A Stylometric Research Program" *Arabica* 58 (2011) pp. 210-299.

دیدگاه مسلمانان معاصر راجع به قرآن حکایت دارد.

بازرگان با بررسی انواع تاریخ‌گذاری‌های غربیان از آیات و سوره‌ها و نیز روایات مختلف اسلامی در باب سوره مکی و مدنی، مدلی تازه ارائه می‌دهد که به نمونه‌های غربی نزدیک‌تر است. وی معتقد است آیات نازل در ابتدا از کلمات و آیات کوچک‌تری تشکیل شده‌اند و این سیر تدریجاً به صورتی خطی افزایش می‌یابد و آیاتی که در سال‌های آخر نازل شده‌اند حاوی کلمات و آیات بزرگتری است. لذا نزول قرآنی هم از حیث مضامین و هم از نظر طول و اندازه‌ی آیات تحول و تطور داشته است. وی پس از بررسی منابع قدیم و نظریه‌های موجود، آیات قرآن را بر اساس موضوع دسته‌بندی کرده، سپس با مدلی «ریاضی» زمان نزول هر دسته را در طول ۲۳ سال بعثت پیامبر (ص) به دست آورده است. در انتها با مقابله نتایج به دست آمده با ترتیب نزول‌های موجود و شواهد تاریخی اسلام صحت نتایج مدل را بررسی کرده است. همانند ریچارد بل، در تاریخ‌گذاری نهایی بازرگان نیز، بسیاری از سوره‌ها مانند بقره تقطیع می‌شوند و آیات آن‌ها در زمان‌های مختلف تاریخ‌گذاری می‌گردند (برای تفصیل ر.ک: نکونام، ۴۱ - ۵۱).

به جز ایران و جهان عرب، مسلمانان دیگر مناطق جهان اسلام نیز در قرن ۲۰ م به موضوع تاریخ قرآن به معنای جدید توجه داشته‌اند. شبه قاره‌ی هند از جمله مواطن نگارش تاریخ قرآن بوده است. این امر شاید بدان سبب باشد که برخی شرق‌شناسان بریتانیایی از جمله سر ویلیام میور، ادوارد سل و آرتور جفری برخی از منشورات خود را در هندوستان انتشار داده‌اند. از این رو مسلمانان شبه قاره بسیار زودتر با پژوهش‌های غربیان در این باب آشنایی یافته‌اند؛ اما تا آن جا که من اطلاع دارم، هیچ‌گاه اثری در اصل به زبان انگلیسی در این موضوع انتشار نداده‌اند. این آثار تقریباً همگی به زبان اردو و اغلب با عنوان عربی *تاریخ القرآن* نوشته شده‌اند. معدودی از این آثار بعدها به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده‌اند. قدیم‌ترین تاریخ قرآن

پیش و پس از تنودور نلُدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۲۷

در زبان اردو را ظاهراً مولانا محمد علی لاهوری (۱۹۷۸ - ۱۹۳۱ م) تحت عنوان جمع قرآن (لاهور، ۱۹۱۷ م) نوشته است. از جمله‌ی دیگر آثار اردو، می‌توان به تاریخ القرآن‌های نوشته شده به قلم محمد اسلم جیراچپوری (۱۳۳۱ ق)، عبدالصمد صارم (۱۹۶۳ م)، ابومحمد مصلح (۱۹۵۲ م)، ظهور الحسن (۱۹۶۳ م)، شریف احمد (۱۹۷۷ م)، محمد عبده الفلاح (۱۹۷۹ م)، عبدالطیف رحمانی (۱۹۸۳ م)، محمد محیی‌الدین تمنا عمادی (۱۹۹۴ م)، و سید صدیق حسن (۱۹۹۶) اشاره کرد (برای تفصیل رک: بخش پایانی همین مقاله). این آثار نیز تماماً در فضای اردو زبان شناخته شده‌اند و در خارج از شبه قاره بازتابی نداشته‌اند.

زبان ترکی را باید در شمار نخستین زبان‌های اسلامی دانست که عنوان تاریخ قرآن در آن تالیف شده است. نخستین و قدیم‌ترین این آثار از آن شرف‌الدین یالتاکایا (۱۸۷۹-۱۹۴۷ م) با عنوان تاریخ قرآن کریم (*Târîh-i Kur'ân-ı Kerîm*) است که در ۱۹۱۵ م در استانبول منتشر شد. در میان زبان‌های اسلامی، تاکنون بیشترین کتاب‌ها با عنوان «تاریخ قرآن» به زبان ترکی نوشته شده، اما اغلب این آثار در خارج از ترکیه شناخته شده نیستند. در این میان، از سه اثر مستقل محمد حمیدالله (۱۹۰۸ - ۲۰۰۲ م) و ترجمه‌ی ترکی کتاب محمد مصطفی اعظمی باید نام برد. زبان ترکی به دلیل نزدیکی به اروپا تنها زبانی است که در آن پژوهش‌هایی در باب تاریخیت متن قرآنی نیز انتشار یافته است (برای برخی نمونه‌ها رک: همین مقاله، بیشتر).

سوم: ادبیات تاریخ قرآن در جهان اسلام

همچنان که گذشت تا پیش از قرن بیستم، مسلمانان کتاب یا مقاله‌ای مستقل با موضوع تاریخ قرآن پدید نیاورده بودند. حجم منشورات اسلامی در این باب طی یک قرن گذشته متنوع و فراوان است. بسیاری از این آثار ارزش علمی و

آکادمیک زیادی ندارند و تنها نشان‌دهنده‌ی توجه مسلمانان به اصل موضوع است. در مقابل برخی نوشته‌ها متن درسی برای دانشجویان در مراکز دانشگاهی یا حوزه‌های علمیه‌ی ایران، عراق و مصر به‌شمار می‌رود. از جمله مهم‌ترین آن‌ها باید به تاریخ قرآن‌های نوشته‌ی محمود رامیار، محمد باقر حجتی، محمد هادی معرفت در ایران اشاره کرد.

ترجمه‌ی تاریخ قرآن نلدکه- شوالی در زبان‌های اسلامی فراز و نشیب فراوانی داشته است. نخستین بار امین خولی (۱۸۹۵ - ۱۹۶۶ م) در مقاله‌ی «تفسیر» (دائرة المعارف الاسلامیة، ۳۶۹/۵) آورده است که یکی از فارغ‌التحصیلان دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه قاهره آن را به عربی ترجمه کرده اما موانعی اجازه‌ی چاپ کتاب را نداده‌اند. از سرنوشت این ترجمه اکنون اطلاعی نداریم. در ۱۹۷۰م ترجمه‌ی ترکی از این کتاب به قلم معمر سنجر (Muammer Sencer) در استانبول انتشار یافت^۱ که صرفاً برگردانی خلاصه از جلد دوم متن آلمانی است.^۲ تقریباً در همین زمان، ترجمه‌ای دقیق و شیوا از جلد نخست تاریخ قرآن نلدکه در زبان فارسی صورت پذیرفته، اما تاکنون انتشار نیافته است. این ترجمه را دانشمند فقید، آیت‌الله محمد بهشتی (۱۹۲۸-۱۹۸۱م) انجام داد. قریب ۱۰ سال پیش، من به‌منظور ویرایش آن، بخش اعظم این ترجمه را با متن آلمانی مطابقت دادم که در جریان آن، به دقت و امانت آن پی بردم. بهشتی تقریباً هیچ نقدی بر متن نلدکه نمی‌نویسد و تنها به ترجمه‌ی صرف اکتفا می‌کند. گفتنی است این اثر تا کنون

1. Theodor Nöldeke & Friedrich Schwally, *Kur'an tarihi*, translated from German into Turkish by Muammer Sencer, Istanbul: Ilke Yayinlari, 1970.

۲. نسخه الکترونیکی با فرمت پی دی اف از این کتاب را می‌توان در سایت زیر یافت:

http://www.archive.org/download/124_T.Noldeke_F.Schwally_Kuran.Tarihi/124_T.Noldeke_F.Schwally_Kuran.Tarihi.pdf

پیش و پس از تئودور نلدرکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۲۹

منتشر نشده است.^۱

تنها ترجمه‌ی کامل از تاریخ قرآن نلدرکه- شوالی به زبان عربی و زیر نظر جورج تامر انجام گرفته است که در سال ۲۰۰۴ م در بیروت و برلین منتشر شد. این ترجمه که به سرعت در جهان عرب و حتی مجامع آکادمیک ایران شناخته شد برای بسیاری از مسلمانان امروز، تنها مرجع دستیابی به آرای نلدرکه و شوالی، برگشترسر و پرتسل در تاریخ قرآن به شمار می‌آید.^۲ ترجمه‌ی تامر روان و امروزی است. در این میان، شلوغی و ارجاعات فراوان در متن اصلی و دشواری کار ترجمه سبب شده که مترجم در موارد فراوانی به سهو، کلمه یا عبارتی را از ترجمه‌ی خود حذف کند. از این مهم‌تر گاه برخی از اصطلاحات کلیدی یا حتی جملات معمولی درست ترجمه نشده است (برای نمونه‌هایی از این اشتباهات و مقایسه‌ی جملات مختلفی در ترجمه‌ی عربی و اصل آلمانی رک: کریمی‌نیا، «تاریخ قرآن (نلدرکه- شوالی): تاریخچه‌ی تدوین و نقد و بررسی ترجمه‌ی عربی آن»، سراسر مقاله).

به جز تاریخ قرآن نلدرکه - شوالی، دو کتاب مهم دیگر غربی نیز به زبان‌های اسلامی ترجمه شده‌اند: مقدمه بر قرآن ریچارد بل و مقدمه بر قرآن رژی بلاشر. کتاب مهم بل با بازنگری ویلیام منتگمیری وات را سلیمان کالکان به ترکی

۱. حدود یک سوم از جلد دوم کتاب تاریخ قرآن نلدرکه- شوالی نیز در قالب سه مقاله‌ی مجزا به فارسی ترجمه و انتشار یافته است. رک: تئودور نلدرکه، «نقد و بررسی روایات جمع قرآن»، ترجمه‌ی مرتضی کریمی‌نیا، علوم حدیث، سال دهم، ش ۲ و ۱، شماره‌ی پیاپی ۳۵-۳۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۷۰-۱۰۰. تئودور نلدرکه، «مصاحف قرآنی پیش از جمع عثمان»، ترجمه‌ی مرتضی کریمی‌نیا، ترجمان وحی، سال دهم، ش ۱، شماره‌ی پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۸۵. تئودور نلدرکه، «نقد و بررسی روایات توحید مصاحف در عصر عثمان»، ترجمه‌ی مرتضی کریمی‌نیا، قرآن و مستشرقین، سال اول، ش ۱، پاییز ۱۳۸۵ ش.

۲. رساله‌های دانشگاهی چندی در باب نقد و بررسی هر یک از مجلدات سه‌گانه‌ی تاریخ قرآن نلدرکه - شوالی بر اساس ترجمه‌ی عربی در ایران و برخی کشورهای عربی انجام گرفته است. نمونه‌ای از کتاب‌های منتشر شده در عربی چنین است: احمد عمران زاوی، جولة فی کتاب نولدرکه: تاریخ القرآن (بعض المستشرقین حینما یکتبون عن العرب و الاسلام یکتبون بالمطابق لا بالاقلام)، دمشق، مکتبة دارطلاس، ۲۰۰۸ م.

۳۰ صحیفه مبین، شماره ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

(آنکارا، ۱۹۹۸ م)، توفیق عدنان أمَل به اندونزیایی (جاکارتا، ۱۹۹۱ م) و بهاءالدین خرمشاهی به فارسی (قم، ۱۳۸۲ ش) ترجمه کرده‌اند. کتاب مهم بلاشر را نیز محمود رامیار به فارسی (تهران، ۱۳۵۹ ش) برگردانده است و اثر مختصرتر وی با عنوان *Le coran* نیز به دو زبان فارسی (تهران، ۱۳۷۲ ش) و عربی (بیروت، ۱۹۷۴ م) ترجمه شده است. برخی آثار اسلامی به دیگر زبان‌های اسلامی ترجمه شده‌اند: از جمله کتاب محمد مصطفی اعظمی به زبان‌های ترکی و اندونزیایی، نوشته‌ی عبدالصبور شاهین به زبان‌های فارسی و اندونزیایی، و تاریخ قرآن ابو عبدالله زنجانی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و آلمانی نیز ترجمه شده‌اند (برای اطلاعات کامل کتابشناختی رک: دنباله مقاله).

در بخش پایانی مقاله، به گزیده‌ای از مهم‌ترین کتاب‌های مؤلفان اسلامی در باب تاریخ قرآن در شش زبان مهم اسلامی یعنی، عربی، ترکی، فارسی، اردو، اندونزیایی و مالایی اشاره شده است. گفتنی است این فهرست تنها بخشی از منشورات یاد شده را در بر دارد:

در زبان عربی:

۱. ابوسلیمان، صابر حسن محمد، *اضواء البیان فی تاریخ القرآن*، ریاض، دارعالم الکتب، ۱۴۲۱/۲۰۰۰. ص ۲۳۹.
۲. ایباری، ابراهیم، *تاریخ القرآن*، قاهره، ۱۹۶۵ م.
۳. اشیققر، سید محمدعلی، *لمحات من تاریخ القرآن*، نجف، مطبعة النعمان، [بی تا]، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۴. انصاری، محمد بن محمد بن امین، *مراحل جمع القرآن الکریم: اول بدایة للبحث العلمی والتوفیق فی تاریخ دعوتنا الاسلامیة*، مکه، مکتبة الاسدی، [بی تا]، ص ۴۲.
۵. بلاشیر، ریجیس. *القرآن: نزوله، تدوینہ، ترجمته و تأثیرہ*، ترجمه‌ی رضا

- پیش و پس از تنویر نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۳۱
- سعاده، ویراسته‌ی محمد علی زعبی، چاپ اول، بیروت: دارالکتاب اللبانی، ۱۹۷۴م، ص ۱۸۹.
۶. جارالله رستوفدونی، موسی، تاریخ القرآن و المصاحف، سن پترزبورگ، ۱۳۱۳ ق [۱۹۰۵ میلادی].
۷. حجتی، محمد باقر، مختصر تاریخ القرآن الکریم، دمشق، المستشارية الثقافية للجمهورية الاسلامية، ۱۴۰۵ق.
۸. حنطور، محمود محمد، فصول من تاریخ القرآن، قاهرة، مكتبة الاداب، ۱۹۹۸. ص ۵۸.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی. البیان فی تفسیر القرآن، نجف، ۱۳۷۷ق/ ۱۹۵۷. ص ۳۵۱.
۱۰. دراز، محمد عبدالله. مدخل الی القرآن الکریم: عرض تاریخی و تحلیل مقارن، محمد عبدالله دراز، ترجمه‌ی محمد عبدالعظیم علی، ویراسته‌ی سید محمد بدوی، چاپ اول، کویت: دارالقرآن الکریم و دارالقلم، ۱۳۹۱ ق/ ۱۹۷۱ م. ۱۹۲ص. نیز: دارالقلم للنشر و التوزیع، ۱۴۰۰ ق/ ۱۹۸۰ م.
۱۱. دروزة، محمد عزة. القرآن الکریم: تنزیله و اسلوبه و أثره و جمعه و تدوینه و ترتیبه... صیدا و بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
۱۲. دُلیمی، اکرم عبد خلیفة، جمع القرآن: دراسة تحليلية لمروياته، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق/ ۲۰۰۶ م. ص ۳۴۳.
۱۳. زاوی، احمد عمران. جولة فی کتاب نولدکه: تاریخ القرآن (بعض المستشرقین حینما ینتبهون عن العرب و الاسلام ینتبهون بالمطارق لا بالاقلام)، دمشق، مكتبة دارطلاس، ۲۰۰۸ م.
۱۴. زررور، عدنان. تاریخ القرآن و علومه، دمشق، مكتبة دارالفتح، ۱۹۷۵/۱۳۹۵.

- ٣٢ صحيفه ميين، شماره ٤٨، پاييز و زمستان ١٣٨٩
١٥. زنجاني، ابو عبدالله. تاريخ القرآن، قاهره، لجنة التأليف و الترجمة و النشر بالقاهرة، ١٩٣٥.
١٦. سعيد، محمد رافت. تاريخ نزول القرآن الكريم، المنصورة، دارالوفاء، ١٤٢٢ق. ٣٦٧ص.
١٧. شاهين، عبدالصبور. تاريخ القرآن، بيروت و قاهره، دارالقلم، ١٩٦٦.
١٨. شحاته، عبدالله محمود. تاريخ القرآن و التفسير، قاهره، الهيئة العامة المصرية للكتاب، ١٩٧٢.
١٩. صالح، صبحي. مباحث في علوم القرآن، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٩٦٥.
٢٠. صغير، محمد حسين على. تاريخ القرآن، بيروت، الدار العالمية، ١٩٨٣ م.
٢١. عاملى، جعفر مرتضى. حقائق هامة حول القرآن الكريم، قم، مؤسسة النشر الاسلامى، ١٤١٠ ق. ٤٧٧ص.
٢٢. عك، خالد عبدالرحمن. تاريخ توثيق نص القرآن الكريم، دمشق، دارالفكر، ١٤٠٦ق / ١٩٨٦م.
٢٣. غانم قدورى الحمد، رسم المصحف: دراسة لغوية تاريخية، بغداد، اللجنة الوطنية للاحتفال بمطلع القرن الخامس عشر الهجرى، ١٤٠٢ق / ١٩٨٢ م.
٢٤. غزالى، مشتاق بشير. القرآن الكريم فى دراسات المستشرقين = (دراسة فى تاريخ القرآن، نزوله وتدوينه وجمعه)، دمشق، دارالنفائس، ١٤٢٩ ق / ٢٠٠٨. ١٩٩ص.
٢٥. قاضى، عبدالفتاح. تاريخ المصحف الشريف: الكتابة العربية، كتابة القرآن فى العهد النبوى، قاهره، مكتبة القاهرة، ١٤٢٠ق / ١٩٩٩م.
٢٦. كردى، محمد طاهر بن عبدالقادر. تاريخ القرآن و غرائب رسمه و حكمه، جده، مطبعة الفتح، ١٣٦٥ق / ١٩٤٦م. القاهره، مصطفى البابى الحلبى و اولاده، ١٩٥٣ق.
٢٧. محيسن، محمد سالم. تاريخ القرآن الكريم، اسكندريه، مؤسسة شباب

پیش و پس از تنویر نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۳۳

الجامعة، ۱۴۰۱ ق. ۱۹۸۱/

۲۸. مرزوق، محمد عبدالعزیز. المصحف الشريف: دراسة تاريخية و فنية، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۵. ۱۴۱ ص.

۲۹. معرفة، محمد هادی. التمهيد في علوم القرآن، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۱۲ ق.

۳۰. ميرمحمدی زرندي، ابوالفضل. بحوث في تاريخ القرآن و علومه، بيروت، دارالمعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ ق/ ۱۹۸۰ م. ۳۵۷ ص.

۳۱. نولدکه، تيودور. تاريخ القرآن، ترجمه به عربي زير نظر جورج تامر، بيروت و برلين، مؤسسة كنراد ادناور، ۲۰۰۴ م.

در زبان فارسی:

۱. ابيارى، ابراهيم. تاريخ قرآن (بر اساس منابع اهل تسنن)، ترجمه و تعليق عبدالستار قمرى، کرمانشاه، دانشگاه رازی، ۱۳۸۶ ش.

۲. ارشاد، ارشد. تاريخ و علوم قرآن، تهران، نشر احسان، ۱۳۶۸ ش. ۶۰ ص.

۳. ايازى، محمد على. کاوشى در تاريخ جمع قرآن، رشت، کتاب مبین، ۱۳۷۸ ش. ۱۲۵ ص.

۴. بازرگان، مهدى. سير تحول قرآن، تهران، شرکت سهامى انتشار، ۱۳۶۰.

۵. بل، ريچارد. درآمدى بر تاريخ قرآن، بازنگرى موننگمري وات، ترجمه‌ى بهاءالدين خرمشاهى، قم، مرکز ترجمه قرآن به زبانهاى خارجى، ۱۳۸۲ ش.

۶. بلاشر، رژی. در آستانه قرآن، ترجمه‌ى محمود راميار، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ۱۳۵۹ ش. ۳۲۶ ص

۷. بلاشر، رژی. درآمدى بر قرآن، ترجمه‌ى اسدالله مبشرى، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۲ ش

۸. حجتى کرمانى، على. تاريخ و علوم قرآن، تهران، کانون انتشار، ۱۳۹۴ ق/

۳۴ صحیفه مبین، شماره ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

- چاپ دیگر، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰. ۱۸۹ص.
۹. حجتی، سید محمد باقر. پژوهش در تاریخ قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ش. ۶۲۸ص.
۱۰. دروزه، محمد عزة. تاریخ قرآن، ترجمه‌ی محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹.
۱۱. رامیار، محمود. تاریخ قرآن، چاپ اول، شرکت سهامی نشر اندیشه، تهران، ۱۳۴۶ش؛ چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۱۲. زنجانی، ابو عبدالله. تاریخ قرآن، ترجمه‌ی ابوالقاسم سحاب، کانون خدمات فرهنگی الست، ۱۳۴۱. نیز: تبریز، سروش، ۱۳۸۲.
۱۳. زنجانی، ابو عبدالله. تاریخ جامع قرآن کریم، ترجمه‌ی حسام فاطمی، تهران، افشار، بی تا. ۱۷۶ص.
۱۴. شاهین، عبدالصبور. تاریخ قرآن، ترجمه‌ی حامد بزدی ثانی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲ش. ۳۰۲ص.
۱۵. صالح، صبحی. پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی، ترجمه‌ی محمد مجتهد شبستری، قم، ۱۳۶۲ش.
۱۶. فضائی، یوسف و محمد حیدری. سیر تکاملی تاریخ قرآن و تفسیر، [تهران]، مولفان، ۱۳۷۳ش. ۳۶۳ص.
۱۷. کردی، محمد طاهر. تاریخ قرآن و شگفتیهای رسم الخط، و دستور ترتیب و نگارش آن به انضمام منظومه تاریخچه کعبه، ترجمه‌ی محمد صالح سعیدی، تهران، انتشارات مسعود، ۱۳۷۰ق. ۴۱۳ص.
۱۸. کورانی، علی. تدوین قرآن، ترجمه‌ی سید محمود عظیمی، ویراسته‌ی سید محمد صفوی، تهران، سروش، ۱۳۷۹. ۲۱۶ص.
۱۹. محمدی، محمد حسین. تاریخ قرآن، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی،

پیش و پس از تنویر نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۳۵

۱۳۸۵. ۲۸۴ص.

۲۰. معارف، مجید. *درآمدی بر تاریخ قرآن*، تهران، نیا، ۱۳۸۳ش. ۲۱۶ص.
۲۱. معرفت، محمد هادی. *تاریخ قرآن*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۵. ۲۱۶ص.
۲۲. میرمحمدی زرنندی، ابوالفضل. *تاریخ و علوم قرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ش. ۴۰۸ص.
۲۳. نائینی، محمدرضا جلالی. *تاریخ جمع آوری قرآن کریم*، تهران، نقره، ۱۳۶۵ش. ۴۹۴ص.
۲۴. نکونام، جعفر. *درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن*، تهران: هستی نما، ۱۳۸۰.
۲۵. ولی خواه، محمد. *درآمدی بر تاریخ قرآن کریم*، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ۱۳۸۲ش. ۱۵۲ص.

در زبان ترکی استانبولی:

1. A'zami, Muhammed Mustafa el-. *Kur'an Tarihi Vahyedilişinden Derlenişine*. Translated from English into Turkish by **Ömer Türker & Fatih Serenli**, İstanbul: İz Yayıncılık, 2006. 440pp.
2. Bâzergan, Mehdi, *Kur'an'in Nüzûl Süreci*, Translated from Persian to Turkish by Yasin Demirkiran & Mela Muhammed Feyzullah, Ankara: Fecr Yayınları, 1998. 442pp.
3. Birişik, Abdülhamit, "Kur'ân: Tanımı, Tarihi, Tertibi", in *Diyanet İslam Ansiklopedisi*, Ankara, 2002, XXVI, pp. 383-388.
4. Çetin, Abdurrahman. *Kur'an İlimleri ve Kur'an-ı Kerim Tarihi*. İstanbul: Dergâh Yayınları, 1982. 309pp.
5. Cevdet Paşa, Ahmed. *Kur'an Tarihi ve Kur'an Okumanın Edepleri*. Translated by Ali Osman Yüksel, İstanbul, 1985, 1989, 285pp.
6. Cevdet Paşa, Ahmed. *Muhtasar Kur'an Tarihi*. İstanbul, 1985, 285pp.

7. Demirci, Muhsin. *Kur'ân Tarihi*. İstanbul: Marmara Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Vakfı, 2005, 161pp.

8. Derveze, İzzet, *Kur'an-ı-Mecid*, Translated from Arabic to Turkish by Vahdettin İnce, İstanbul: Ekin Yayınları, 1997.

9. Draz, Muhammad Abdullah. *Kur'an'a Giriş*. Translated from English into Turkish by Salih Akdemir, Ankara: Kitabiyat Yayınları, 2000. 142pp.

10. Eroğlu, Ali. *Kur'ân Tarihi ve Kur'ân ilimleri Üzerine*. (On the History of the Koran and the Sciences of the Koran), Erzurum: EKEV Yayınevi, 2002. 277pp.

11. Ersöz, İsmet. *Kuran Tarihi: Kur'an-ı Kerim'in İndirilişi ve Bugüne Gelişi*. İstanbul: Ravza Yayınları, 1996. 144pp.

12. Hamidullah, Muhammed. & Macit Yasaroglu. *Kur'an-ı Kerim Tarihi ve Türkçe Tefsirler Bilbiyografyası*. İstanbul: Yağmur Yayınları, 1965. 169pp.

13. Hamidullah, Muhammed. *Kur'ânı Kerîm Tarihi*. Translated by Salih Tuğ, İstanbul, 1993.

14. Hamidullah, Muhammed. *Kur'ân-ı Kerîm Tarihi: bir Deneme*. Translated into Turkish by Mehmet Sait Mutlu, İstanbul: Yağmur Yayınları, 1965. 90pp. Ankara: Diyanet İşleri Başkanlığı Yayınları, 1991. 203pp.

15. Hamidullah, Muhammed. *Kur'an-ı Kerim Tarihi Bütün Eserleri 9*. İstanbul: Beyan Yayınları, 2000. 224pp.

16. İzmirli, İsmail Hakkı. *Tarih-i Kur'an (Kur'an-ı Kerimin Tarihi)*. İstanbul: Böre Yayınları, 1956. 23pp.

17. Karaçam, İsmail. *Kur'an-ı Kerim'in Nüzülü ve Kıraatı*. İstanbul: Marmara Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Vakfı Yayınları, 1995. 440pp.

18. Karataş, Şaban. *Şia'da ve Sünni Kaynaklarda Kur'an Tarihi*. İstanbul: Ekin Yayınları, 1996. 264pp.

19. Keskiöglü, Osman. *Kuran Tarihi ve Kur'an Hakkında Ansiklopedik Bilgiler*. İstanbul: Nebioğlu Yayınevi, 1953. 373pp.

20. Keskiöglü, Osman. *Nüzûlünden Günümüze Kur'an-ı Kerim Bilgileri*. Ankara: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları, 1989, 1993. 336pp.

21. Kotan, Şevket. *Kur'an ve tarihselcilik*. İstanbul: Beyan Yayınevi, 2001.
22. Nöldeke, Theodor & Friedrich Schwally. *Kur'an tarihi. Translated from German into Turkish* by Muammer Sencer, İstanbul: Ilke Yayınları, 1970.
23. Okay, Vahap. *Müslümanlar için Kuran Tarihi*. İstanbul: Okay Yayınevi, 1960. 64pp.
24. Özsoy, Ömer. *Kur'an ve Tarihsellik Yazıları*. (Schriften zur Historizität des Koran), Ankara: Kitabiyat Yayınları, 2004. 176 Seiten.
25. Paçacı, Mehmet. *Kur'an ve ben ne Kadar Tarihseliz?* Ankara: Ankara Okulu Yayınları, 2002. 191pp.
26. Salih, Subhi. *Kur'an İlimleri*. Translated from Arabic to Turkish by M. Sait Şimşek, Konya: Hibaş Yayınları, 2008. 368pp.
27. Şerefeddin Yaltkaya, M. (1879-1947), *Târîh-i Kur'ân-ı Kerîm*, İstanbul, 1331 A.H./ 1915
28. Soysaldı, Mehmet H. *Nüzûlünden Günümüze Kur'an İlimleri ve Tarihi*. Elazığ, 1996.
29. Watt, W. Montgomery. *Kur'an'a Giriş*. Translated from English into Turkish by Süleyman Kalkan, Ankara: Ankara Okulu Yayınları, 1998. 271pp.
30. Yıldırım, Suat. *Kur'ân'ın Mûcizevî Korunması*. İstanbul: Işık Yayınları, 2004. 240pp.

در زبان اندونزیایی:

1. Aceh, Abu Bakar. *Sejarah al-Qur'an*, Ramadhani, Solo, 1981.
2. Amal, Taufik Adnan. *Rekonstruksi Sejarah Al-Quran*, Yogyakarta: FkBA, 2001.
3. A'zami, M. M. al-. *Sejarah Teks Al-Qur'an dari Wahyu sampai Kompilasi*. Translated from English into Indonesian by Sohirin Solihin, Jakarta: Gema Insani Press, 2005.
4. Bell, Richard. *Pengantar studi al Quran*. Translated from English into Indonesian by Taufik Adnan Amal, Jakarta: Rajawali, 1991.

5. Burhanuddin, Rivai. *Sejarah Alkitab dan Alqur'an*. Depok: Persahabatan, [1983 or 1984]. xv+105pp.
6. Djunaedi, Wawan. *Sejarah qira'at al-Qur'an di Nusantara*, Jakarta: Pustaka STAINU, 2008.
7. Ibyariy, Ibrahim al-. *Pengenalan sejarah Al-Quran*. Translated from Arabic into Indonesian by Saad Abdul Wahid, Jakarta: Rajawali, 1988.
8. Shihab, M. Quraish. *Sejarah dan Ulumul Qur'an*. Edited by Azyumardi Azra, Jakarta: Pustaka Firdaus, 2001. xi+199pp.
9. Syahin, Abdussabur. *Sejarah Al-Quran*. Translated from Arabic into Indonesian by Ahmad Bachmid, Jakarta: Rehal Publika, 2008.
10. Tekan, Ismail. *Pelajaran Tajwid Al-Qur'an: dengan secara praktis - populer - dan sistematis (Tambahan dengan ringkasan sejarah Al-qur'an)*, Jakarta: Al Husna Zikra, 1995.
11. Watt, W. Montgomery. *Bell's Introduction to the Qur'an diterjemahkan oleh Lillian dengan judul Richard Bell: Pengantar Quran*, Jakarta: INIS, 1998.

در زبان مالایی:

1. Aboebakar, Haji. *Sejarah al-Quran*, Kuala Lumpur: Pustaka Antara, 1973.
2. Ahmad, Mohd. Yusuf. *Sejarah Al Quran: Anugerah dari Langit*, Kuala Lumpur: Darul Nu'man, 2003. viii+150pp. Also 2010. 168pp.
3. Atjeh, Haji Abubakar, *Falsafat Al-Quran: sejarah pembukuan (Mashaf) peraturan dan hukum*, Kota Bharu: Pustaka Aman Press, 1980.
4. Azhari, Abd. Rahamn Muhamad al-. *Sejarah Al-Quran & Kegemilangan Islam*, Johor Bahru: Perniagaan Jahabersa, 2002. iii+168pp.
5. Qadhi, Fadhilah Syeikh Abdul Fattah el-. *Sejarah kitab Al-Quran*, translated from Arabic into Malay by Ismail bin Mohd. Hassan, Kuala Terengganu: Yayasan Islam Terengganu, 1986.

در زبان اردو:

1. Aḥmad, Sharīf. *Tārīkh-i Qur'ān ('aksī) alma'rūf Qur'ān kī bāten: jis men tārīkh-i nuzūl-i Qur'ān... tārīkhī bāten jam' kar dī ga'ī hain*, Karachi: Maktabah-yi Rashīdiyah, [1977]. 336pp.
2. Fallāḥ, Muḥammad 'Abduhū al-. *Tārīkh-i Qur'ān: Jam'o Tadvīn, aur Maṣāḥif-i 'Usmānī*, Lāhaur: Milne kā patah, Subḥānī Ikaiḍamī, 1979. 92pp.
3. Jairajpurī, Maulana Muhammad Aslam. *Tarikhul Quran*, Aligara, 1331 AH.
4. Muhammad 'Alī, Maulana. *Jam' Qur'ān*, Lahore: Mufīd-i 'Ām Press, 1917. 140pp.
5. Muṣliḥ, Abū Muḥammad. *Alamgir Tarikh i Qur'an*, Hyderabad: Quran Academy, 1952. 64pp.
6. Raḥmānī, Abdul Latīf. *Tarikhul Qur'an*, Delhi: Shah Abul Khair Academy, 1983. 144pp.
7. Rāmyār, Maḥmūd. *Tārīkh al-Qur'ān*, tr. Sayyed Anwār Aḥmad Belgrāmī, Lahore: Mesbah al-Quran Trust, 1415. 575pp.
8. Ṣārim, Abduṣ Ṣamad. *Tārīkh ul Qur'an*, 2nd ed., Lahore: Idara i Ilmia, 1963. 248pp.
9. Ṣiddīq Ḥasan, Sayyid. *Jam' va Tadvīn-i Qur'ān*, A'zamgarh: Darulmusannifin, Shibli Akaidmi, 1996. 85pp.
10. Ṣālīḥ, Ṣubḥī, *'Ulūm al-Qur'ān*, Translated from Arabic to Urdu by Gholam Ahmad Hariri, Faisalabad: Malek Sans, 1994. 488pp.
11. Tamannā 'Imādī (Syed Hayatul Haq Muhammad Mohi-ud-Din). *Jam'u'l-Qur'an*, Karachi: Rahman Publishing Trust, 1994.
12. Zuhūr al-Ḥassan, *Tārīkh ul Qur'an*, Lahore: Idare Ilmiyyeh, 1963. 103pp.

منابع

۴۰ صحیفه مبین، شماره ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۹

- ۲- ابن عاشور، *التحریر و التنویر*، تونس، ۱۹۹۷م.
- ۳- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، بیروت، ۱۳۹۸ ق/ ۱۹۷۸م.
- ۴- ابوریح، محمود، *أضواء علی السنة المحمدیة*، قاهره، ۱۳۷۷ ق/ ۱۹۵۸م.
- ۵- ابوزهره، محمد، *المعجزة الكبرى*، قاهره، ۱۳۹۰ ق/ ۱۹۷۰م.
- ۶- ایباری، ابراهیم، *الموسوعة القرآنیة*، مؤسسة سجل العرب، ۱۴۰۵ ق، [بی جا].
- ۷- بازرگان، مهدی، *سیر تحول قرآن*، تهران، ۱۳۵۵ش.
- ۸- جارالله رستوفدونی، موسی، «تاریخ المصاحف»، در *مجلة المنار*، ج ۱۰، جزء ۴، (ربیع الآخر ۱۳۲۵/ یونیه ۱۹۰۷).
- ۹- همو، *تاریخ القرآن و المصاحف*، سن پتربورگ، ۱۳۱۳ ق/ ۱۹۰۵م.
- ۱۰- خرمشاهی، بهاءالدین، «تاریخ قرآن»، در *دائرة المعارف تشیع*، به کوشش کامران فانی و دیگران، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۱۱- خمینی، سید مصطفی، *تفسیر القرآن الکریم*، قم، ۱۴۱۸ ق/ ۱۳۷۶ش.
- ۱۲- خولی، امین، «تفسیر»، در *دائرة المعارف الاسلامیة*، ترجمه زیر نظر عبدالحمید یونس و دیگران، قاهره، ۱۹۳۳.
- ۱۳- خویی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالزهراء، [بی تا].
- ۱۴- *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، ۱۳۸۲ش.
- ۱۵- دراز، محمد عبدالله، *مدخل الی القرآن الکریم: عرض تاریخی و تحلیل مقارن*، کویت، ۱۹۷۱م.
- ۱۶- دروزه، محمد عزة، *التفسیر الحدیث*، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
- ۱۷- رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، تهران، ۱۳۶۲ش.
- ۱۸- زرقانی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، ۱۹۹۶م.
- ۱۹- زنجانی، ابو عبدالله، *تاریخ القرآن*، قاهره، ۱۹۳۵م.
- ۲۰- سبحانی، جعفر، *مفاهیم القرآن*، قم، مؤسسة الامام الصادق (ع)، [بی تا].
- ۲۱- شاهین، عبدالصبور، *تاریخ القرآن*، قاهره، ۲۰۰۵م.
- ۲۲- صالح، صبحی، *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت، ۱۹۶۵م.
- ۲۳- طباطبایی، کاظم، «جست و جو در احوال و آثار شادروان محمود رامیار»، *مطالعات اسلامی* (دانشگاه مشهد)، شم ۶۵-۶۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ش.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسین، *قرآن در اسلام*، به کوشش محمد باقر بهبودی، تهران، ۱۳۵۰ش.
- ۲۵- همو، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۶- قرطبی، محمد، *الجامع لأحكام القرآن*، بیروت، [بی تا] و تهران، ۱۳۶۴ش.

پیش و پس از تنویر نلدکه: تاریخ قرآن نویسی در جهان اسلام ۴۱

- ۲۷- کریمی‌نیا، مرتضی، «تاریخ قرآن (نلدکه- شوالی): تاریخچه‌ی تدوین و نقد و بررسی ترجمه‌ی عربی آن»، پژوهش‌نامه‌ی قرآن و حدیث، سال اول، ش ۱، پاییز ۱۳۸۵ ش.
- ۲۸- همو، «مسأله‌ی تأثیر زبان‌های آرامی و سریانی در زبان قرآن»، نشر دانش، سال بیستم، ش ۴، شماره‌ی پیاپی ۱۰۷، زمستان ۱۳۸۲ ش.
- ۲۹- معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۰- همو، التمهید فی علوم القرآن، قم، ۱۴۱۲ ق.
- ۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۳۲- ملاحویش آل‌غازی عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق، ۱۳۸۲ ق.
- ۳۳- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، ۱۳۸۰ ش.

34- A'zamī, Muḥammad Muṣṭafā al-. *The history of the Qur'ānic text from revelation to compilation: a comparative study with the Old and New Testaments*. Leicester (UK) UK Islamic Academy, 2003.

35- Bell, Richard. *Introduction to the Qur'ān*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1953.

36- Blachère, Régis. *Introduction au Coran*. Paris: G.P. Maisonneuve, 1959. 2nd ed., Paris: G.P. Maisonneuve, 1977.

37- Bobzin, Hartmut. "A treasury of heresies": Christian polemics against the Koran," *The Qur'ān as text*, edited by Stefan Wild, Leiden: Brill, 1996, pp. 157-175.

38- Bobzin, Hartmut. "Latin translations of the Koran: a short overview," *Der Islam* 70ii (1993) pp. 193-206; also in: *The Koran: critical concepts in Islamic studies*, edited by Colin Turner, London & New York: Routledge Curzon, 2004, vol. 4, pp. 116-127.

39- Bobzin, Hartmut. "Pre-1800 preoccupations of Qur'ānic studies," *Encyclopaedia of the Qur'ān*, edited by Jane Dammen McAuliffe, Leiden: Brill, 2004, vol. 4, pp. 235-253.

40- Bobzin, Hartmut. *Der Koran im Zeitalter der Reformation: Studien zur Frühgeschichte der Arabistik und Islamkunde in Europa*. Beirut: Deutsche Morgenländische Gesellschaft; Stuttgart: Steiner, 1995.

41- Burton, John. *The Collection of the Qur'ān*. Cambridge: Cambridge University Press, 1977.

42- Crone, Patricia & Michael Cook. *Hagarism: the making of the Islamic world*. Cambridge: Cambridge University Press, 1977.

43- Jeffery, Arthur. *Materials for the history of the text of the Qur'ān: the old codices* [incl. the *Kitāb al-maṣāḥif* of Ibn Abī Dāwūd, ...] Leiden, New York & Köln: E.J. Brill, 1937.

44- Karaman, Hayrettin et al. (eds.) *Kur'an-ı Kerim, Tarihselcilik ve Hermenötik*, Istanbul: Işık Yayınları, 2003.

45- Kotan, Şevket. *Kur'an ve Tarihselcilik*, Istanbul: Beyan Yayınları, 2001.

46- Luxenberg, Christoph. *Die syro-aramäische Lesart des Koran: ein*

Beitrage zur Entschlüsselung der Koransprache. Berlin: Das Arabische Buch, 2000. 2nd ed., Berlin: Hans Schiller Verlag, 2004.

47- McAuliffe, Jane Dammen. (ed.) *Encyclopaedia of the Qur'ān*. 5 vols., Leiden, New York & Köln: E.J. Brill, 2001-2006.

48- Muir, Sir William. *The life of Mahomet*. 4 vols. London, 1858-1861; 2ed ed., 1876; 3rd ed., 1894.

49- Neuwirth, Angelika. *Studien zur Komposition der mekkanischen Suren*. Berlin: Walter de Gruyter, 1981.

50- Nöldeke, Theodor. *Geschichte des Qorans*. 3 vols. Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuch-handlung, 1909-1938. [Vol. 1: *Über den Ursprung des Qorāns*, by Nöldeke and Schwally, 1909; Vol. 2: *Die Sammlung des Qorāns*, by Nöldeke and Schwally, 1919; Vol. 3: *Die Geschichte des Korantexts*, by Bergsträsser and Pretzl, 1938.]; Hildesheim and New York: Georg Olms Verlag, 1970.

51- Ozsoy, Omer. *Kur'an ve Tarihselcilik Yazuları* (Writings on the Qur'an and Historicity) Ankara: Kitabiyat, 2004.

52- Paçacı, Mehmet. "*Kur'an ve Tarihselcilik Tartışması*," *Kur'an'ı Anlama'da Tarihsellik Sempozyumu* (Symposium on the Role of Historicity in Understanding the Qur'an), Bursa: Kurav-Bayrak, 2000.

53- Sprenger, Aloys. *Das Leben und die Lehre des Mohammad: Nach bisher grösstentheils unbenutzen Quellen bearb.* Berlin: Nicolai'sche Verlagsbuchhandlung, 1861-1865.

54- Wansbrough, John. *Quranic studies: sources and methods of scriptural interpretation*. Oxford: Oxford University Press, 1977. Also with forword, translations, and expanded notes by Andrew Rippin, Amherst (NY, USA): Prometheus Books, 2004.

55- Weil, Gustav. *Historische-kritische Einleitung in den Koran*. Leipzig & Bielefeld: Velhagen und Klasing, 1844. xxi+121pp; second revised edition, 1878.